

فرصت‌ها و چالش‌های حضور انجمن‌های علمی ایران در مجامع بین‌المللی

- امیر کیا^۱
بیژن عباسی^{۲*}
علی اکبر گرجی ازندریانی^۳
مرتضی نجابت خواه^۴

چکیده

علی‌رغم خصوصیت جهانی علم و تبعاً توسعه علمی، در ایران به‌طور کلی مفهوم توسعه در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح شده و بر همین اساس انجمن‌های علمی نیز که در خدمت توسعه علم هستند باید در جهت خصوصیات اسلامی و بومی جامعه ایران باشند. نظر به اشتراکات توسعه به گونه‌ای که در غرب مطرح شده و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در وجوه مادی مانند رفاه اجتماعی، حضور انجمن‌های علمی ایرانی در مجامع بین‌المللی می‌تواند تسهیل‌کننده جذب علوم و فنون و تسریع پیشرفت در چارچوب ایرانی اسلامی باشد اما از طرف دیگر در رابطه با حضور انجمن‌ها در مجامع بین‌المللی چالش‌هایی نیز در رابطه با مبانی نظام جمهوری اسلامی، که در اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله انعکاس یافته‌اند، وجود دارد. از جمله اینکه قرار گرفتن انجمن‌ها در معرض هژمونی فرهنگ و تمدن غرب در مسیر انتقال علم می‌تواند این انجمن‌ها را از چارچوب ایرانی اسلامی خارج کند. در مجموع در اسناد بالا دستی برای جذب علم و فناوری از مراکز تولید آن و در عین حال حفظ خصوصیات بومی جامعه ایران تلاش شده است. این مقاله به نقش انجمن‌های علمی ایران در انتقال تجارب و دانش متمرکز است، روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: علم، انجمن علمی، توسعه، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

۱. دانشجوی دوره دکتری رشته حقوق عمومی پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران

۲. عضو هیئت علمی مدعو پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

* b.abbasi@ut.ac.ir

۳. عضو هیئت علمی مدعو پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران

۴. عضو هیئت علمی مدعو پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و چهار، صص ۳۷۳-۳۵۵

مقدمه

آدمی تمایل دارد که هر چیزی را که امکان دارد دانسته و بفهمد زیرا انسان همواره موجودی کنجکاو و جستجوگر بوده است. کنجکاوای انسان از کنجکاوای هر موجود زنده دیگر کاملتر و پایدارتر است؛ رضایت آدمی در فرو نشانیدن این کنجکاوای همراه با توانایی او در به خاطر آوردن استدلال کردن و ارتباط دادن به پیدایش فرهنگ و دانش منجر شده است. از این رو میتوان گفت که از زمانی که انسان پا به عرصه هستی گذاشت علم نیز به وجود آمد و با رشد فکری، بشر دانش و نهادهای علمی مرتبط با دانش توسعه و تکامل یافته است. اما در جهان امروز با توسعه علم و به موازات نیاز بشر در این عرصه، دانش از سطوح محلی، منطقه ای و حتی ملی فراتر رفته و وجوه جهانشمول پیدا کرده، به شکلی که دیگر نمی توان حتی از دانش و توسعه آن بدون یک ساختار جامع اداری سخن گفت. از این رو علاوه بر توسعه دانشگاه ها و محافل علمی و آکادمیک نیاز بشر وجود و توسعه انجمن های علمی را ضروری ساخت. در ابتدا انجمن های علمی به صورت غیرتخصصی و به صورت عمومی فعالیت خود را در عرصه های محلی و ملی شروع کردند اما دیری نپایید که شاهد توسعه انجمن های علمی به صورت تخصصی بودیم. در این مقاله نگارندگان پس از تبیین علم و گونه های آن به شناخت مفهوم انجمن علمی پرداخته و راهکارها و چالش های توسعه آن را مورد بررسی قرار داده اند.

غایت انجمن های علمی تاثیرگذاری در توسعه علم است که خود از پیش شرط های توسعه اقتصادی است. در ایران مفهوم توسعه در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح شده و بر همین اساس انجمن های علمی نیز باید در جهت خصوصیات اسلامی و بومی جامعه ایران باشند. نظر به اشتراکات توسعه به گونه ای که در غرب مطرح شده و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در وجوه مادی مانند رفاه اجتماعی، حضور انجمن های علمی ایرانی در مجامع بین المللی می تواند تسهیل کننده جذب علوم و فنون و تسریع پیشرفت در چارچوب ایرانی اسلامی باشد اما از طرف دیگر چالش هایی نیز وجود دارد. از جمله اینکه قرار گرفتن انجمن ها در معرض هژمونی فرهنگ و تمدن غرب در مسیر انتقال علم می تواند این انجمن ها را از چارچوب ایرانی اسلامی خارج کند. در

این مقاله پس از بیان مفهوم علم و چیستس انجمن‌های علمی با در نظر داشتن خصوصیات جهانی علم، به فرصت ناشی از حضور انجمن‌های علمی ایرانی در مجامع بین‌المللی و نیز به چالش عمده آن که مرتبط با مبانی نظام جمهوری اسلامی است پرداخته می‌شود. در پاسخ به این سوال که حضور انجمن‌های علمی در مجامع بین‌المللی، با توجه به خصوصیت جهانی علم و اشتراکات توسعه در ایران و نقاط دیگر جهان، چه فرصت‌هایی برای ایران دارد فرض نویسندگان در وهله اول امکان جذب علم و فناوری و انتقال آن در چارچوب الگوی ایرانی-اسلامی بوده است و در جواب این سوال که با توجه به مبان نظام در خصوص توسعه چالش‌های حضور انجمن‌های علمی در مجامع بین‌المللی چیست تعارض مبانی نظام با جهانی شدن منفعلانه و هژمونی غرب بوده است. روش پژوهش در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی است که در نگارش آن از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۱. مفهوم علم

بررسی و تجزیه و تحلیل علم در سطح جهانی و یا ملی نیازمند داشتن مفهومی از کلمه علم است. در نگاه اول مفهوم علم مبحث ساده‌ای به نظر می‌رسد و شاید بتوان گفت که هر شخصی حداقل مفهوم مبهمی از علم در ذهن خود دارد. بررسی مفهوم علم زمانی که موضوع را از دیدگاه حقوقی و عملی مورد بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر قرار می‌دهیم، سخت‌تر می‌شود. اگر خصوصیات ذاتی و مبتنی بر واقعیت مفهوم علم را به صورت موقتی از بحث مستثنی کنیم، متوجه می‌شویم که برای تعریف این کلمه در چهارچوب حقوقی به دو مانع بزرگ و اساسی برمی‌خوریم. (مهربان، ۱۳۹۹: ۱۷۳)

نخست اینکه مفهوم علم در هیچ یک از اسناد حقوقی به رسمیت شناخته نشده است. همه ما می‌دانیم که متون حقوقی که اکثراً دارای جملات و مفاهیم کلی و عمومی هستند حتی بر سر واژگان مورد استفاده هم ممکن است که اختلاف‌های جدی وجود داشته باشد؛ ضمن اینکه تلاش‌های صورت گرفته در جهت تعریف برخی مفاهیم همواره با عدم قطعیت و شک همراه است. مفهوم علم در متون حقوقی بین‌المللی به کرات مورد استفاده قرار گرفته، اما هیچ سند مفرد و یا مجموعه‌ای از اسناد حقوقی وجود ندارند که بتوان بر مبنای آن‌ها تعریفی برای این کلمه ارائه داد. در نتیجه، تعریف این کلمه را می‌توان

به عنوان بخشی از تلاشها برای طرح ریزی این مفهوم در نظر گرفت. هیچ رویکرد اثبات‌گرا و یا رویکرد دیگری وجود ندارد که به قوانین بین‌المللی در مورد علم جهت بدهد و یا به صورت عمومی‌تر به مدیریت حقوقی آنها منتج گردد.

دوم اینکه، کلمه علم بدون هیچ شک و شبه‌ای در حوزه‌های حقوقی مختلف در جهان، دارای معانی متفاوتی است. این مسئله نه تنها به دلیل تفاوت‌های مبتنی بر زبان‌شناسی است که بین زبانهای مختلف جهان امری بدیهی است (هر زبان واژه متفاوتی برای علم دارد) بلکه می‌توان این موضوع را در خود یک زبان واحد هم مشاهده نمود (به عنوان مثال وجود کلمه‌های علم، دانش و غیره در زبان فارسی). اما لازم به ذکر است که اهمیت علم در قانون در تمام حوزه‌های حقوقی یکسان نیست. در برخی حوزه‌ها به سادگی، قوانین خاصی برای مدیریت حوزه علم وجود ندارند. اما در برخی شان و منزلتی حقوقی برای علم وجود دارد به گونه‌ای که آزادی‌های خاصی را برای مسائل علمی تضمین می‌کند. بررسی چارچوب حقوقی حاکم بر علم، موید این مطلب است که نیازمند یافتن مفهومی هستیم که حداقل برای بیشتر حوزه‌ها قابل پذیرش بوده و برای رویکردهای متعددی که محتملاً در حوزه حقوق وجود دارند، به صورت نسبی متناسب باشد. در هر صورت، نقطه آغاز خارج از حقوق است و چیزی نهفته در خاستگاه تاریخی این کلمه می‌باشد. (آبرهام و دستا، ۲۰۰۹: ۲۶۵)

علم به معنای مجموعه دانسته‌های منسجم و روشمند درباره یک موضوع یا مطالعاتی است که دستیابی به یک هدف معرفتی را حاصل می‌کند. گزاره‌های علم ممکن است اعتباری و موضوع آن جزئی و مشخص باشد؛ مانند فیزیک (توصیفی)، بهداشت، علم اخلاق، منطق (هنجاری)، فقه و حقوق (هنجاری) توصیفی و اعتباری (کلام)، هدف محور (جغرافیا (موضوع جزئی)) و.... فیلسوفان علم، علم را باور صادق موجه هم توصیف می‌کنند. علم در زبان فارسی به معنایی متفاوت و عام‌تر از معادل انگلیسی اش (Science) به کار می‌رود در این مفهوم علم معادل هر نوعی از دانش (Knowledge) است. واژه علم در این مفهوم کلی شامل هر نوع آگاهی نسبت به اشیاء، پدیده‌ها روابط و غیره است اعم از اینکه مربوط به حوزه مادی و طبیعی و یا مربوط به علوم معنا و ماوراءالطبیعه باشد. (معین، ۱۳۹۹: ۲۳۷۳) در این تعریف قواعد روش علمی برای

دستیابی به آن دانش الزامی نیست و علم شامل مجموعه‌ای از آگاهیها، دانشها و معلوماتی است که انسان توانسته از طریق روشهای گوناگون تا به امروز از آنها اطلاع پیدا کند. اصطلاحاتی چون علم اخلاق، علم حدیث و علم ریاضیات نشان دهنده کاربرد این معنا از علم هستند در مقابل یک مفهوم علم به طور خاص نیز وجود دارد که معادل واژه انگلیسی Science است که از ریشه لاتینی «سایتیا» به معنای دانستن گرفته شده است و متناظر با آن بخشی از دانش بشری است که از طریق روشهای تجربی حاصل شده است و قواعد علوم تجربی بر آن حاکم است.

مفهوم علم به صورت عمیقی مرتبط با تاریخ انسانی است. این جستجو با موتور شک و تفکر به پیش می‌رفته و هدف آن کسب درک کاملی از خود و جهان اطراف برای انسان بوده است. در دنیای غرب، فرض بر این است که این کاوش با دانشمندان قبل از سقراط آغاز شده باشد (به عنوان مثال آناکسیماندر، آناکسیمنس، هراکلیت و تالس) این دانشمندان در طبیعت جستجو می‌کردند و از لحاظ روش شناسی با حس قوی منطق و تحسین هدایت می‌شدند. اگر موضوع به این صورت نباشد، این جستجو با پیچیده سازی اعداد و محاسبات ریاضی قوی‌تر شده است. این مورد خاستگاه ارزشمندی در واقع گرایی انتزاعی سقراط و پلاتو به حساب می‌آید ضمن اینکه شیوه تعقل و تفکر منطقی به علاوه موارد فوق منجر به کمالی شد که ارسطو بنیانگذارش به شمار می‌آید. پذیرش مکتب فکری یونان باستان نه تنها برای تفکر رومی سازنده بوده است (که در کارهای سیسرو نمود یافته است)، بلکه برای تفکر تحقیقی در قرون وسطی هم (که به صورت مشهودتر در کارهای توماس آکویناس نمود یافته‌اند) مزایایی داشته است. دوره‌های تعقل و روشنفکری باعث شد که روش شناسی علم به صورت موردی خشک و غیر انعطاف‌پذیر درآید و مفاهیم مذهبی، سنتی و حقایق درحوزه‌های دیگر به زیر سؤال بروند. در نتیجه آثار دکارت و کانت را مشخصاً می‌توان به عنوان هسته و مبنای مبتنی بر روش شناسی در تفکر غربی به شمار آورد. (رودولفو، ۱۹۹۱: ۳۸۴)

۲. خاستگاه تاریخی تفکر علمی

تاریخچه تفکر علمی با تاریخچه دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای ویژه جهت ارتقاء و گسترش علم به نوعی درهم تنیده شده است. موفقیت‌هایی که توسط برادران هامبولت

به دست آمد نه تنها از دیدگاه ژرمانتوسستریک (آلمانی - محور) اهمیت دارند، بلکه نقش بسیار مهمی در ایجاد اصلاحاتی دارند که ویللم ون هامبولت^۱ بانی آنها بود. در این بررسی سیر این تلاش‌ها می‌توانیم شاهد ارتقا جایگاه دانشگاه‌ها در حد اعلی در گذشته باشیم (بولونیا، پاریس، آکسفورد و کمبریج به عنوان پیش کسوتان خارج از آلمان قابل ذکر هستند) ضمن اینکه این ایده تا به امروز هم بسیار مورد توجه بوده و اکنون هم جایگاه شایسته خود را داراست.

لازم به ذکر است که دانشگاه‌های تازه تأسیس در ایالات متحده (دانشگاه جان هابکینز و دانشگاه بالتی مور ۱۸۷۶، دانشگاه شیکاگو ۱۸۹۰، موسسه فناوری کالیفرنیا ۱۸۹۱) همگی مفهوم دانشگاه ایده آل هامبولت را در برنامه‌ها و سیاست‌های خود لحاظ کردند و از سوی دیگر بعد از سقوط امپراطوری ناپلئون، دانشگاه‌های سنتی آمریکایی مانند هاروارد و پرینستون هم سعی کردند به سمت این ایده آل حرکت کنند و از همتایان فرانسوی و انگلیسی خود متمایز شوند. (راشل، ۲۰۱۲: ۷۵۴)

با توجه به طرح مفهوم ایده آل هامبولت در مورد دانشگاه و علم، لازم است که به بررسی آن پرداخته و از برخی مفاهیم مرتبط با آن برای تعریف علم به عنوان موردی که قابلیت اعمال مقررات قانونی و مدیریت شدن را دارد، استفاده نماییم. طبق گفته مشهور هامبولت فردیت و آزادی پایه تفکر علمی هستند و تفکر علمی فعالیتی مستقل، مبتنی بر اندیشه و آزادانه توسط یک متفکر مفرد است. بنابراین تعریف دادگاه فدرال آلمان که برگرفته از دیدگاه هامبولت و اندیشمند حقوقی قرن ۲۰ رودلف سمند^۲ است علم در این تفکر، پایان ناپذیر، جدی و موردی است که برای یافت حقیقت دارای برنامه ریزی روش شناسانه است.

در راستای تفکر هامبولیتی، رابرت مرتون در کار خود درباب جامعه شناسی علم را با استفاده از چهار عنصر تعریف کرده است (۱) مورد اول کمونیسیم یا همان سیستم اشتراکی است. تمام دانشی که از راه علمی به دست می‌آید جهت بحث و نقد آزاد برای همه در دسترس است و دانشمندان به جهت اعتبار و شهرتی که اکتشافات برای آنها به همراه دارد حقوق مالکیت معنوی را در مورد یافته‌هایشان اعمال نمی‌کنند. (۲) مورد

^۱ Wilhelm von Humboldt

^۲ Rudolf Smend

دوم بحث عام بودن است؛ این کیفیت باعث می‌شود که علم با وجود نظارت و کنترلی که از سوی ذهن اندیشمندان بر آن اعمال می‌شود همواره ثابت بماند (اصل علم ثابت است مگر موردی خلاف آن ثابت گردد) (۳) بیطرفانه بودن مورد سوئی است که باید به آن اشاره شود. مقصود از بی طرف بودن نبود هیچ گونه منفعت اعم از مالی و موارد دیگر است و (۴) درنهایت وجود شک و تردید سازمان یافته به این معنا که تمام یافته‌های علمی در هر زمانی باید قابلیت به چالش کشیده شدن را داشته باشند. مفاهیم مرتون مورد انتقاد قرار گرفته‌اند و ذکر شده‌اند که بیش از اندازه ایده آلیست و یا واقع گرا هستند. اما این مسئله موجب نمی‌شود که این مفاهیم را از نظر دوربداریم چرا که در تعریف مفهوم علم تأثیر بسیار زیادی داشته و یا حداقل می‌توان گفت که تأثیرگذاریشان انکار ناپذیر است. لازم به ذکر است که انجمن فیزیک آمریکا در دیدگاه روش شناسانه خود از هامبولت پیروی می‌کند و علم را به بدین صورت تعریف کرده است:

"علم امر خطیر جمع آوری دانش در مورد جهان، سازماندهی و تبدیل آن به صورت قوانین و تئوری‌های قابل آزمایش است." (رحمانی فرد، ۱۳۹۶: ۷۵)

البته بعد از هامبولت روش‌شناسی و محتوای تفکر علمی تغییرات و پیشرفتهایی داشته است اما شاید عادلانه‌تر باشد که بگوییم تقسیم بندهایی مانند مانند تئوری علم^۱ و یا جامعه‌شناسی علم^۲ مواردی هستند که تازه به منسه ظهور رسیده‌اند. از دیدگاه حقوقی، به عوض بررسی و مراجعه به آثار نویسندگانی چون فرج، تارسکی، ساندرز پیرس، هامبرماس و یا ویلیام کاملاب، نکته مهمی که برای بررسی علم از دیدگاه حقوقی وجود دارد این است که بدون هیچ تردیدی علم مقوله‌ای در مورد تفکر انسانی در مورد برخی مشکلات خاص است، اما الزاماً شامل تمام این تفکرات نمی‌شود. در این جا لازم که به موردی اشاره کنیم که اغلب از آن برای انتقاد از تفکر هامبولتی استفاده می‌شود. افسر پلیسی که در مورد جرائم تحقیق می‌کند سعی می‌کند که به واسطه شیوه‌هایی که از لحاظ روش‌شناسی منطقی به نظر می‌رسند و همچنین از طریق تفکر جدی و منسجم دانش به دست بیاورد اما قطعاً او یک دانشمند نیست. به علاوه چنین استثنائات واضحی، فعالیت‌های مبتنی بر تفکر دیگر مانند بحث‌های سیاسی و یا اندیشه‌های ادبی را هم می‌توان

¹ Theory of science

² Sociology of science

اضافه کرد که اگر چه می‌توان آنها را مدیریت نمود و برایشان قوانین وضع کرد اما این موارد در دیگر حوزه‌های حقوق قرار می‌گیرند که دارای اهداف متفاوت و حدود قانونی مشخص هستند. تفکر منطقی، تفکر فلسفی و تبادل منطقی ایده‌ها ممکن است در شرایط علمی صورت بگیرد اما الزاماً چنین نیست. با این حال، آنچه که می‌توان به عنوان نتیجه این جستجو در تاریخچه تفکر غربی بیان کرد این است که علم به عنوان یکی از مقاصد محتمل اعمال قانون، به عنوان ایجاد دانش به واسطه رویه‌های مبتنی بر روش شناسی صحیح و با اهداف کلی تعریف می‌شود. (نوربخش، ۱۳۹۹: ۳۲۲)

دروهله آخر سعی شده است که از افتادن درتله زبان پرهیز شود. خوانندگان آنگلساکسون می‌توانند به راحتی از رویکرد این مقاله در زمینه علم به دلیل عدم دقت انتقاد نمایند. این انتقاد کمتر متوجه آن چیزی است که در مورد علم، فناوری و اقتصاد گفته شد بلکه هدف اصلی این انتقاد وارد نمودن مباحثی چون فلسفه، تاریخ، و یا فقه است. علم در زبان انگلیسی و فرانسه محدود به فعالیت تحقیقاتی مرتبط با طبیعت و یا فناوری است در حالی که در کلمات مذکور به معنی آنچه که در علوم انسانی و زبان انگلیسی از آن به عنوان "دانش" یاد می‌شود می‌باشد. اگر بخواهیم توضیح بیشتری در مورد این تفاوت بدهیم، بازهم به مباحث زبان شناسی می‌رسیم که از حوصله و موضوع این نوشتار خارج است. (کامپر، ۲۰۰۱: ۱۷۴)

۳. چستی انجمن‌های عملی

انجمن‌های علمی حلقه‌ی اتصال دانشگاه و جامعه میباشند و استحکام این حلقه‌ها منجر به تولید و ترویج دانش و فناوری و تبدیل آن به ثروت میگردد و با ایجاد گروه‌های پژوهشی، آخرین اطلاعات و دستاوردها را در زمینه‌ی فناوری برای شبکه‌ی اطلاع‌رسانی کشور فراهم آورند و با برقراری ارتباط میان انجمنها و مراکز علمی و فنی، پیشنهادهای فراوانی در زمینه اولویتها عرضه کنند. هنگامی که این انجمنها در زمینه اطلاع‌رسانی و ارتباط با مراکز علمی بین‌المللی فعال شوند، می‌توانند در مقام کمیسیونهای تخصصی و مشورتی شورای عالی فناوری و نشر مجله‌های علمی و فنی مربوط به فناوری فعالیت کنند انجمنهای علمی به دولت وابسته نیستند و از نظر سازمانی و تشکیلاتی مؤسساتی مستقل هستند که براساس اساسنامه و به وسیله‌ی

مدیران منتخب اعضای خود اداره می‌شوند. (نوربخش، ۱۳۹۹: ۳۲۴) حفظ استقلال باعث می‌شود تا انجمن‌های علمی در قالب یک سازمان غیر دولتی به بررسی و ارائه‌ی پیشنهاد‌های لازم به مسئولان و برنامه ریزان کشور در حوزه‌ی فعالیت خود بپردازند. انجمن‌های علمی می‌توانند مناسبترین جایگاه برای تدوین و اظهار نظر درباره‌ی برنامه‌های آموزشی کشور باشد. شورای اروپا سازمان‌های غیر دولتی را چنین تعریف می‌کند؛ سازمان‌های غیر دولتی، جمعیتها جنبش‌ها یا گروه‌هایی هستند که مستقل از دولت بدون قصد منفعت طلبی دفاع از منابع خارجی، همچون مسائل شغلی، اجتماعی، فرهنگی، تجاری، سیاسی، علمی، انسان دوستانه مذهبی و تشکیل گردیده‌اند.

۱- انجمن علمی نوعی نهاد مستقل است که از به هم پیوستن یا اجتماع آگاهانه و داوطلبانه اصحاب یک رشته علمی پدید می‌آید تا از طریق تعامل آزاد، خردمندانه و به دور از سلطه بتواند بین صاحبان هر تخصص زمینه لازم را برای پیشبرد علم و تنظیم و ترویج اصول و قواعد جمعی یا اخلاقی کار و فعالیت و پیوند علم و عمل در آن رشته‌ی علمی فراهم نماید.

۲- انجمن‌های علمی سازمان‌هایی هستند که بر اساس توافق و شرکت داوطلبانه گروهی از متخصصین در یک رشته علمی شکل می‌پذیرند و به کنش بین متخصصان و رویارویی اندیشه‌های آنها یاری میرساند و آنها را به سوی هدفهای معلوم راهنمایی می‌کنند (رحمانی فرد، ۱۳۹۶: ۱۸۴)

یکی از علل تأسیس انجمن‌های علمی لزوم تصمیم‌گیری و مدیریت مشارکتی است. مشارکت متخصصان در اداره امور در مقام نظر آسان مینماید ولی در عرصه‌ی عمل دشوار است. موانع این اقدام اغلب محصول ساختارهای بوروکراتیک و گرایش به فردگرایی به جای گروه‌گرایی است. در نظام‌هایی که با دیوانسالاری دولتی اداره میشوند، بسیاری از تصمیمات، خارج از محیط دانشگاه و بدون مشارکت هیأت علمی گرفته می‌شود. انجمن‌های علمی به عنوان حلقه واسطه‌ی تعامل میان دولت و دانشگاه به دنبال تولید و انتشار اندیشه‌های علمی توسعه‌ی علم و فناوری ارتقا و بهبود فضای تصمیم‌سازها و کمک به تصمیم‌گیریهایی مرتبط با حوزه علم و فناوری با هدف افزایش ثروت و رفاه اجتماعی می‌باشند. آنها با ایجاد فضای مناسب جهت توسعه‌ی فرهنگ

پژوهش نوآوری و کارآفرینی و ایجاد شبکه های علمی و پژوهشی داخلی و خارجی باعث اعتلاء و کارآمدسازی جریان آزاد اطلاعات علمی در کشور تسهیل ارتباط و تعامل اثر بخش میان، محققان متخصصان و ذی نفعان رشته های مختلف و ارتقاء توانمندیهای نیروی انسانی فعال در حوزه ی علم و فناوری متناسب با نیازمندیهای کشور میشوند. (ژوهانس، ۲۰۱۵: ۸۶)

در نهایت باید گفت انجمن های علمی سازمانهای مردم نهادی هستند که رسالتشان تولید و انتشار اندیشه های علمی و توسعه ی علم و فناوری در کشور در راستای افزایش ثروت و افزایش رفاه اجتماعی میباشد. این سازمانها با ایجاد شبکه های علمی و پژوهشی داخلی و خارجی به عنوان تسهیل گر ارتباط و تعامل اثر بخش میان محققان متخصصان و ذی نفعان رشته های مختلف عمل میکنند. انجمنهای علمی در کارآمدسازی جریان آزاد اطلاعات علمی در کشور نقشی مهم ایفا می کنند. توسعه ی مطلوب علم و فناوری در کشور نیازمند مدیریت بهینه و هماهنگی در سطوح ملی و منطقه ای بخشهای اقتصادی و بنگاه های خدماتی است. در این میان انجمنهای علمی به عنوان یکی از حلقه های واسط تعامل میان دولت و دانشگاه نقشی تعیین کننده دارند و به تصمیم گیری ها و بهبود فضای تصمیم سازیهای مربوط به حوزه ی علم و فناوری کمک می کنند. همچنین این انجمن ها فضای مناسبی جهت توسعه ی فرهنگ پژوهش، نوآوری و کارآفرینی ایجاد میکنند و متناسب با نیازمندیهای کشور توانمندیهای نیروی انسانی فعال در حوزه ی علم و فناوری را ارتقا می دهند.

۴. توسعه و پیشرفت ایران؛ فرصت حضور انجمن های علمی در مجامع بین المللی

در کنار کارکردهای آشکار و پنهان انجمن های علمی از قبیل پژوهش و آموزش، اعتلا و شفاف سازی جریان آزاد اطلاعات و جلوگیری از انحصاری شدن آنها از طریق نقد و نظارت و مشارکت، بسیج ظرفیت های علمی جامعه و بهره برداری از استعدادها و قابلیت های علمی کشور که همگی در زمره کارکردهای آشکار هستند همچنین هویت بخشی به نیروهای علمی و متفکر جامعه و جلوگیری از فرار مغزها و نهادینه کردن مشارکت دانشجویان در پژوهش که کارکردهای پنهان هستند هدف عمده انجام های علمی توسعه علمی است. توسعه علمی رشد همراه با افزایش ظرفیت های علمی اعم از

ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی است. مفهوم رشد و توسعه متمایزاند. توسعه مفهومی کیفی است و در آن علاوه بر رشد کمی نهادها و نگرش ها نیز متحول می شوند و جامعه برای بهره برداری از ظرفیت های موجود به طور مستمر پویا و توانمند می شود و نوآوری ها استمرار دارند. (شاهین و مهبد، ۱۳۸۵)

توسعه علمی از منظری نظام مند ملزوماتی دارد. از جمله این ملزومات فرهنگ علم گرایی است که پشتیبان توسعه علم است. همچنین است وجود ساختارهای اداری مناسب که باید بر الگوی تصمیم گیری، تعاملات افقی و مشارکت عموم ذینفعان و نمایندگان نظام علمی مبتنی شود و تصمیم گیری در آن از سلطه گفتمان های سیاسی، کارشناسی و حرفه ای مصون باشد و نوآوری در آنها پذیرفته شود. علاوه بر این محیط حقوقی با تاکید بر گفتمان حقوق عمومی در خصوص آزادی عقیده و بیان و استقلال دانشگاه ها از دولت رابط مستقیم دارد. (نگوین کک دین، ۱۳۹۲: ۲۱۳)

عمده اثر توسعه علمی در جوامع مدرن که در زندگی اجتماعی نمود پیدا می کند رشد اقتصادی است. چنانکه لیچنگ ارتباط میان ورودی های علم و فن آوری و رشد اقتصادی را در سه منطقه ساحلی چین در دوره زمانی ۲۰۰۸-۱۹۹۴ بررسی نموده و با استفاده از عامل تولید ناخالص داخلی واقعی به عنوان زیر معیار رشد اقتصادی و عوامل نیروی انسانی، بودجه تحقیق و توسعه به عنوان زیر معیار علم و فناوری رابطه مثبت و معنادار میان ورودی های علم و فن آوری و رشد اقتصادی را احراز نموده است. (Licheng, 2011: 1781) توسعه اقتصادی و توسعه علمی رابطه متقابل با یکدیگر دارند و بر یکدیگر اثرگذارند. به عبارت دیگر همانطور که توسعه علم موجب توسعه اقتصادی می شود توسعه اقتصادی نیز توسعه علمی را شدت می بخشد. نوری چاکلی و مددی با بررسی تاثیر تولید ناخالص داخلی و علم و فناوری در ۳۸ کشور در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ دریافته اند میان این دو دسته از عوامل رابطه مثبت وجود دارد. (نوری چاکلی، مددی، ۱۳۹۴: ۹۷)

انجمن های علمی از طریق توسعه علم در توسعه اقتصادی و شکوفایی جامعه تاثیرگذارند. انجمن های علمی سازمان های مردم نهادی هستند که رسالتشان تولید و انتشار اندیشه های علمی در کشور در راستای افزایش ثروت و رفاه اجتماعی است. این

سازمان‌ها با ایجاد شبکه‌های علمی و پژوهشی داخلی و خارجی به عنوان تسهیل‌گر ارتباط و تعامل اثربخش میان محققان، متخصصان و ذینفعان رشته‌های مختلف عمل می‌کنند.

در ایران توسعه علم و توسعه اقتصادی نمی‌تواند مستقل از دین محقق‌گردد. چه آنکه مطابق اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا. بر همین اساس نیز استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها در قسمت دوم اصل دوم قانون اساسی باید در جهت پایه‌های دینی نظام باشد. و به کارگیری همه امکانات دولت برای تقویت روح تبع و بررسی و ابتکار در زمینه‌های علمی در بند اول اصل سوم قانون اساسی با هدف تحقق جامعه‌ای اسلامی است. در همین راستا در اصل سوم قانون اساسی پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن محرومیت‌ها باید بر اساس ضوابط اسلامی باشد.

گذشته از این اصول کلی در خصوص لزوم اسلامی بودن توسعه، مفهوم غربی توسعه به علت سابقه استعمار دولت‌های غربی پذیرفته نشده است. در این رابطه از نظر مقام رهبری «کلمه توسعه یک اصطلاح متعارف جهانی با بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص خود است که ما با آن موافق نیستیم بنابراین از کلمه پیشرفت استفاده شد ضمن اینکه وام‌نگرفتن از مفاهیم دیگران در طول انقلاب اسلامی سابقه داشته است. با وجود همه تغییرات به وجود آمده در مدل‌های توسعه به علت اینکه این مدل‌ها از نگاه اومانیستی و جهان‌بینی سکولار سرچشمه می‌گیرند نتوانسته‌اند اهداف مورد نظر جوامع بشری را تأمین کنند. ضمن اینکه علاوه بر تفاوت‌های ایدئولوژیک جغرافیای پیشرفت ایران نیز متفاوت است» (علی احمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۲) «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به گونه‌ای تدوین شود که جامعه را به سمت جامعه‌ای متفکر سوق دهد و جوشیدن فکر و اندیشه ورزی به حقیقتی نمایان در جامعه تبدیل شود» (علی احمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

تفاوت میان توسعه با تعریفی که در ابتدای این قسمت آمد و پیشرفت از منظر اهدافی است که برای توسعه تعریف می شود پیشرفت علمی نیز همانند توسعه علمی حرکت مداوم در جهت افزایش ظرفیت های علمی اعم از ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی است. در خصوص توسعه و پیشرفت به طور کلی نیز می توان این شباهت را در نظر گرفت.

در قالب مفهوم توسعه به گونه ای که در غرب مطرح شده کشور توسعه یافته کشوری است که در تمامی ابعاد و عرصه ها فرهنگ و هنجارهای غربی را پذیرفته و به کار بسته باشد و کشور در حال توسعه کشوری است که در حال پذیرش و کاربست فرهنگ غرب است. در حالی که در الگوی پیشرفت حرکت جامعه به سمت شکوفایی خواستگاه های اسلامی دارد و آن استقلال عهده جانبه محقق می شود. در اسلام هدف از پیشرفت رستگاری و رشد. تعالی انسان به عنوان خلیفه خداست و قانون گذاری و برنامه ریزی در همین جهت است اما در توسعه غربی خواست های مادی انسان معیار رشد و تعالی است.

وجوه مشترک توسعه و پیشرفت از یک طرف وجوه مادی است که شاخص های اندازه گیری یکسانی دارد از قبیل تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص ملی، بدهی های ملی یا استقراض ملی، تراز تجاری، رتبه اعتباری، نرخ رشد درآمد ملی، درآمد سرانه، کیفیت زندگی، امنیت و پایداری سیاسی، میزان سهولت راه اندازی کسب و کار، سطح فقر مطلق، سطح دسترسی به آب و غذا و نرخ سواد. از طرف دیگر وجوه اشتراکی مانند روح خطرپذیری، روح ابتکار و خلاقیت و انضباط وجود دارند که عمل در راستای دستیابی به وجوه مادی را ممکن می گردانند. (سنجولی، ۱۳۹۲: ۶۷)

دستیابی به اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بدون دستیابی به وجوه مادی توسعه امکان پذیر نیست و دستیابی به وجوه مادی توسعه بدون توسعه علمی ممکن نمی گردد. اهمیت انجمن های علمی که هدف عمده آنها توسعه علمی است از این منظر خود را در پیشرفت اسلامی ایرانی نشان می دهد. هرآنچه موجب تقویت انجمن های علمی و توسعه علمی می گردد در نهایت به الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی در رسیدن به اهداف آن یاری خواهد رساند. برای کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته که از مراکز تولید

علم دور مانده اند حضور در انجمن های بین المللی می تواند تسهیل کننده انتقال علم باشد. در همین راستا حضور انجمن های علمی در مجامع بین المللی در نهایت در جهت اهدغف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که در واقع فرصت حضور انجمن های علمی در مجامع بین المللی است. اما در این راه چالش هایی نیز برای حضور انجمن های علمی در مجامع بین المللی وجود دارد.

۵. جهانی شدن و هژمونی غرب؛ چالش حضور انجمن های علمی در مجامع بین المللی

گفته شد حضور انجمن های علمی در مجامع بین المللی در نهایت در جهت تحقق آثار توسعه در خصوص رفاه اجتماعی است که البته خود از اهداف عمده الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت است. از اولین لوازم این حضور برخورداری اعضای انجمن های علمی از سطح مطلوب زبان انگلیسی است که به علت ضعف نظام آموزشی ایران در این رابطه خود چالشی برای حضور انجمن های علمی ایرانی در مجامع بین المللی است. زبان آموزی خود دربردارنده چالشی دیگر در رابطه با حضور در انجمن ها مجامع بین المللی در رابطه با جهانی شدن و سلطه فرهنگ غرب است. پالش های دیگری نیز می تواند مطرح باشد مانند تامین منابع مالی انجمن ها برای حضور در مجامع بین المللی یا ارتباط انجمن ها با دانشگاه ها و مراکز سیاست گذاری که پرداختن به تمام آنها در این متن ممکن نیست.

جهانی شدن در تعاریف مختلف مستلزم توسعه علوم و فنون از مراکز تولید آن به نقاط مختلف جهان خصوصا کشورهای در حال توسعه است. از طرف دیگر الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی بدون جذب و دریافت علوم و فنون نمی تواند محقق گردد. دریافت علوم و فنون از مراکز تولید آن فرهنگ های مختلف را از طرق مختلف در معرض فرهنگ غرب و الگوی زندگی غربی قرار می دهد. چنانکه زبان انگلیسی حامل فرهنگ غرب دانسته شده است و بسیاری ترویج آن را به مثابه ترویج فرهنگ غرب داغنسته اند که سبک زندگی و جهان بینی غرب را وارد زندگی مردمان نقاط مختلف جهان می کند. جهانی شدن مفهومی انتزاعی است که روند کلان فعالیت های علمی، فنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی را تعیین می کند و برای همین

دلالت وضع شد است. از نظر رابرتسون جهانی شدن در هم فشردن جهان و تبدیل آن به یک مکان واحد است. (Robertson, 1992: 85) در نتیجه ظهور صنعت گسترده ارتباطات مفهوم زمان و مکان معنایی متفاوت پیدا کرده و اهمیت خود را از دست داده اند زیرا همه انسان ها درون یک جامعه جهانی قرار گرفته اند و دنیا به دهکده ای جهانی تبدیل شده است. (رحیمی، نبی لو، ۱۳۸۷: ۵۴)

برخی صاحب نظران جهانی شدن را یک پدیده ساختگی برای به دست گرفتن تمام منابع جهان از طریق نظام سرمایه داری و توسعه استعمار نوین دانسته اند از این منظر جهانی شدن برابر هژمونی غرب و گسترش امپریالیسم آمریکا دانسته شده است. (Shin H, Kubato R, 2008: 240) در نتیجه چنین جهانی شدنی بهترین سبک زندگی و ایدئولوژی، سبک زندگی و ایدئولوژی غرب است که به سراسر جهان تسری پیدا می کند. از چنین منظری غایت حضور انجمن های علمی در مجامع بین المللی که انتقال بخشی از تمدن غرب به نقاط دیگر جهان است همواره محل شبعه غرب زدگی و انفعال در مقابل فرهنگ غرب است. خصوصا با توجه به اینکه لازمه این حضور بهبود سطح زبان انگلیسی در تعلیم و تربیت دانش آموزان و دانشجویان است.

در کنار بازبینی برنامه های درسی و نظام آموزش و پرورش برای سازگاری با توسعه علمی در جهان آموزش و ترویج زبان انگلیسی جایگاهی ویژه دارد. کوچک شدن جهان در حد یک دهکده مستلزم برخورداری از زبان واحد است که زبان انگلیسی است. زبان انگلیسی زبان بسیاری از مجلات علمی و کنفرانس های بین المللی است زبان بیش از دو سوم سایت های اینترنتی است زبان رسمی سازمان ملل متحد است و بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت جهان به این زبتن سخن می گویند بدون اینکه زبان مادری آنها باشد. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۹۶) در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، در چشم انداز بیست ساله ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه؛ با هویت اسلامی و انقلابی الهام بخش در جهان اسلام و برخوردار از تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل است. رسیدن به جایگاه اول علمی و اقتصادی در منطقه بدون جذب پیشرفت های علمی و فناوری از مراکز تولید آن امکان پذیر نیست و این جذب علم جز با برقراری ارتباط با مراکز تولید علم و مجامع ترویج دهنده

علم و ارائه‌کننده فناتوری ممکن نمی‌گردد. این ارتباط نیز جز با ارتقای سطح زبان انگلیسی در نظام تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان ممکن نیست. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله هم ویژگی‌های ایرانی اسلامی و هم ویژگی‌های جهان‌نگری مدنظر قرار گرفته‌اند. در رابطه با ویژگی‌های ایرانی اسلامی توسعه ایران متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود است و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی است. ایران کشوری مقتدر و برخوردار از رفاه، تامین اجتماعی و فرصت‌های برابر است. در عین حال در رابطه با ویژگی‌های جهان‌نگری ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی دست یافته است؛ با تاکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم و رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی.

اما با وجود این چشم‌انداز در اسناد بالادستی که از جمله مستلزم توسعه انجمن‌های علمی و انتقال علم و فناوری به داخل است یکی از مهم‌ترین ملزومات آن در سطح مطلوبی نیست. از داده‌های آماری که در دست است مقایسه ایران با کشورهای منطقه در خصوص مهارت‌های زبان انگلیسی بر اساس نتایج آزمون تافل از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۷ است که در آن ایران در بین پنج کشور شامل لبنان، مصر، لیبی و ترکیه از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ مقام پنجم و از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۰۷ مقام چهارم را داشته است. (رحیمی، نبی‌لو، ۱۳۸۷: ۵۷)

محققان مختلفی عوامل مشکل‌زا در آموزش زبان انگلیسی را بررسی کرده‌اند. مهرک رحیمی و زهرا نبی‌لو این عوامل را در پنج حوزه دسته‌بندی نموده‌اند که عبارتند از دانش‌آموزان، دبیران، مدرسه، محتوای آموزشی و برنامه‌ریزی آموزشی. از جمله عوامل مرتبط با دبیران عبارتند از استفاده بیش از حد از زبان فارسی و عدم دسترسی به منابع برای به‌روز کردن دانش خود و عدم تمرکز بر مهارت‌های شفاهی. از جمله عوامل مرتبط با مدرسه عبارتند از ناکافی بودن وسایل و کتب آموزشی و پرجمعیت بودن کلاس‌ها. عوامل مرتبط با محتوای شامل ایراداتی است مانند حجم زیاد مطالب ارائه شده در کلاس‌ها، توضیحات ناکافی کتاب‌ها در خصوص لغت و عذم هماهنگی تدریس تلفظ با نظریه‌ها و مدل‌های علمی. در نهایت عوامل مرتبط با برنامه‌ریزی آموزشی عبارتند از به‌کار نبردن زبان انگلیسی در زندگی روزمره، عدم اختصاص

ساعات کافی به آموزش زبان انگلیسی در سرفصل های آموزشی، وقفه در آغاز آموزش زبان انگلیسی و روش های نامناسب آموزش معلمان زبان انگلیسی. (رحیمی، نبی لو، ۱۳۸۷: ۵۹)

نتیجه گیری

علم مفهومی جهانی دارد و به تبع آن انجمن های علمی در معرض آثار جهانی شده علم قرار دارند. غایت انجمن های علمی تاثیرگذاری در توسعه علم است که خود از پیش شرط های توسعه اقتصادی است. علی رغم خصوصیت جهانی علم و تبعاً توسعه علمی در ایران به طور کلی مفهوم توسعه در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح شده و بر همین اساس انجمن های علمی نیز باید در جهت خصوصیات اسلامی و بومی جامعه ایران باشند. نظر به اشتراکات توسعه به گونه ای که در غرب مطرح شده و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در وجوه مادی مانند رفاه اجتماعی، حضور انجمن های علمی ایرانی در مجامع بین المللی می تواند تسهیل کننده جذب علوم و فنون و تسریع پیشرفت در چارچوب ایرانی اسلامی باشد اما از طرف دیگر چالش هایی نیز در رابطه با مبانی نظام جمهوری اسلامی، که در اسناد بالادستی از جمله سند چشم انداز بیست ساله انعکاس یافته اند، وجود دارد. از جمله اینکه قرار گرفتن انجمن ها در معرض هژمونی فرهنگ و تمدن غرب در مسیر انتقال علم می تواند این انجمن ها را از چارچوب ایرانی اسلامی خارج کند. در مجموع در اسناد بالادستی برای جذب علم و فناوری از مراکز تولید آن و در عین حال حفظ خصوصیات بومی جامعه ایران تلاش شده است.

منابع

- رحمانی فرد، شهرزاد (۱۳۹۶)، جامعه شناسی حقوق، نشر دنیای سبز، چاپ اول
رحیمی، مهرک (۱۳۸۸)، فنون یادگیری برای زبان آموزان ایرانی، انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، چاپ اول
رحیمی، مهرک، نبی لو، زهرا (۱۳۸۷)، جهانی شدن و ضرورت اصلاح دوره های آموزش زبان انگلیسی در ایران؛ چالش ها و فرصت ها، مجله فناوری آموزش، شماره ۱، زمستان
رشتبر، سمانه (۱۳۹۰)، آشنایی با انجمن های علمی دانشجویی، نشر معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه الزهراء، چاپ اول

- سنجولی، زینب (۱۳۹۲)، تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۳، بهار
- شاهین، آرش؛ مهبد، محمدعلی (۱۳۸۵)، مدیریت فرآیند ترسیم نقشه جامع علمی کشور: رویکردی نظاممند و متوازن به رشته های علمی دانشگاهها. کنگره ملی علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- علی احمدی، علیرضا (۱۳۹۰)، پیش طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نشر تولید دانش، چاپ اول
- فردیش فون هایک (۱۳۹۲)، قانون، قانون گذاری و آزادی، (قواعد و نظم)، نشر دنیای اقتصاد، چاپ دوم
- فریدنارد اف استون (۱۳۹۸)، نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه سید حسین صفایی، نشر جنگل، چاپ اول
- فولر، لان (۱۳۹۳)، «فقدان حاکمیت قانون»، مسائل اجتماعی ایران (مجموعه مقالات)، نشر انجمن جامعه‌شناسی ایران، چاپ اول
- قدیمی، اکرم (۱۳۹۱)، عملکرد انجمن‌های علمی ایران، نشر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چاپ دوم
- محمودی، جواد (۱۳۹۳)، تحولات حقوق اداری اتحادیه اروپا، نشر خرسندی، چاپ اول
- معین، محمد (۱۳۹۹)، فرهنگ فارسی، نشر امیر کبیر، چاپ پانزدهم
- مهربان، حسین (۱۳۹۹)، پیشگامان انجمن‌های علمی ایران، نشر نزهت سبز، چاپ اول
- نژادنوری، محمدمهدی (۱۳۸۹)، انجمن‌های علمی ایران، نشر کمیسیون انجمن‌های علمی ایران، چاپ اول
- نگوین کک دین، پاتریک دینه و آلن پله (۱۳۹۲)، حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، ترجمه، مقدمه و پیوست از حسن حبیبی، نشر اطلاعات، چاپ اول
- نوربخش، آرش (۱۳۹۹)، گزارش عملکرد انجمن‌های علمی دانشجویی، نشر عصر زندگی، چاپ اول
- نوروزی چاکلی، عبدالرضا؛ مددی، زهرا (۱۳۹۴)، تأثیر قدرت اقتصادی بر جایگاه علم و فناوری کشورها و تحلیل رابطه متقابل آنها، علم سنجی، شماره ۲، پاییز
- Aberham Yohannes and Desta G/Michael (2009), Administrative Law, Teaching Material, Prepared under the Sponsorship of the Justice and Legal System Research Institute.
- Cumper, Peter & with Walters Terry (2001), Constitutional & Administrative Law, Oxford University Press.
- Dain now, Joseph (2013), The Civil Law and the Common Law: Some Points of Comparison, The American journal of comparative law, Vol. 15.
- Eric P. Polten (2012), Lawyer and Notary Public, Toronto, Ontario, Canadian Administrative Law and German Verwaltungsrecht: Overview and Comparison, available at: <http://www.poltenassociates.com/Resource-Links/AdminLaw-English.pdf>.
- Fleck, Robert K, F Andew Hanssen (2002), the origin of democracy, a model with application to ancient Greece, department of agricultural and economic and economies.
- Hisashi Harata (2017), an interim report on savings methodology and his founding of a modern historical jurisprudence, available at: [http://www.sllr.j.u-tokyo.ac.jp/08/papers/v08part08\(harata\).pdf](http://www.sllr.j.u-tokyo.ac.jp/08/papers/v08part08(harata).pdf)

- Johannes, Saurer (2015), "Supranational Governance and Networked Accountability: Member State Oversight of EU Agencies" in Rose-Ackerman & Lindseth, supra note 2 at ch. 36.
- John Bullivant, Robin Burgess, Andrew Corbett-Nolan and Kate Godfrey (2016), good governance handbook, healthcare quality improvement partnership and good governance institute
- Rachel M. Gisselquist (2012), good governance as a concept, and why these matters for development policy, UNU-WIDER, world institute for development economics research, working paper.NO 30
- Robertson R. (1992), Globalization: Social Theory and Global Culture, Sage.
- Rodolfo Sacco (1991), Legal Formants: A Dynamic Approach To Comparative Law, the American journal of comparative law, Vol.39.
- Shin H., Kubota R (2008). Post-colonialism and globalization in language education. In B. Spolsky & F. Hult (Eds). The handbook of educational linguistics, (pp 216- 212). Blackwell Publishing

۳۷۳



فرصت‌ها و
چالش‌های حضور
انجمن‌های علمی
ایران در مجامع
بین‌المللی